**نمادپردازی درخت زندگی در متون اسلامی با رویکرد بینامتنی[[1]](#footnote-1)**

**الهام روحانی اصفهانی[[2]](#footnote-2)**

**نمادپردازی درخت زندگی در متون اسلامی با رویکرد بینامتنی**

چکیده:

در این مقاله به مقوله درخت زندگی در متون اسلامی با توجه به رویکرد بینامتنی ژرار ژنت پرداخته می‌شود. در این پژوهش برآنیم به بررسی و طبقه‌بندی ارتباطات، صفت‌های مشابه و کارکردهای درخت زندگی در منابع اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی بپردازیم. همچنین برقراری ارتباط از این ویژگی‌های مشابه با آثار هنری ایران با رویکرد بینانشانه‌ای از اهداف دیگر این پژوهش است.

در این راستا، با توجه به دیدگاه ژیلبر دوران از کهن الگو، نماد و اسطوره سعی می‌شود کهن‌الگوی درخت را در فرهنگ جهانی معرفی کنیم. شناسایی این کهن‌الگو از طریق نمادها و روایت‌های نمادین(اسطوره) امکان‌پذیر است. کهن الگوی درخت در پیوند با فرهنگ‌های مختلف از جمله اسلام، نمادپردازی‌های گوناگونی می‌یابد که به صورت روایت‌های نمادین در متون اسلامی قابل شناسایی‌اند. این نمادهای روایت‌دار در متون اسلامی با منابع اسطوره‌ای کهن در فرهنگ‌های دیگر نیز مشابه‌اند. هدف ما کشف این شباهت‌ها برای رسیدن به بازسازی شکل این کهن‌الگو در جهان است. لذا سعی می‌شود به این سوالات پاسخ دهیم که روایت‌های نمادین درخت زندگی در منابع کهن چیست؟ آیا روایت‌های نمادین کهن درخت زندگی در فرهنگ‌های گوناگون با روایت‌های نمادین آن در منابع اسلامی قابل انطباق است؟ نمادپردازی‌های متون نوشتاری با رویکرد بینانشانه‌ای در آثار هنری ایران چگونه قابل شناسایی است؟

این پژوهش می‌کوشد، نشان دهد داده‌های بدست آمده از مسائل یاد شده در روایت‌های نمادین مربوط به درخت زندگی در منابع اسلامی و منابع اسطوره‌ای فرهنگ‌های کهن شباهت بنیادینی دارند که با درک مفهوم کهن الگو قابل فهم است. کاربرد رویکرد و روش بینامتنی ژرار ژنت و ژیلبر دوران در تبیین و توضیح مفهوم کهن‌الگوی درخت در چنین گستره‌ایی جمع‌بندی و تفسیر نمادپردازی‌های کلامی و تصویری را ممکن می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:**

کهن‌الگو، درخت زندگی، متن، رویکرد بینامتنی.

**مقدمه:**

یکی از کهن‌ترین و مکررترین نمادها در میان ساختارهای نمادین، درخت زندگی است. درخت زندگی ایده‌ی پیوند میان زمین و آسمان، کیهان و نماد جاودانگی است.

نمادپردازی درخت زندگی از همان آغاز در منابع نوشتاری برخی از فرهنگ‌ها دیده می‌شود و با پرنده، مار، اسب و سایر عناصر هم‌نشین مرتبط می‌گردد. آنچه توجه ما را بیش از پیش به خود جلب می‌کند، تکرار کهن‌الگوی درخت زندگی در فرهنگ جهانی است. این پژوهش کهن‌الگوی درخت را با توجه به دیدگاه ژیلبر دوران از نماد و اسطوره، در فرهنگ جهانی معرفی می‌کند. دوران تلاش دارد تا نظامی نسبتاً کامل که شامل بازتاب‌، شم (قوه‌، نیرو یا محرکه‌)، کهن‌الگو (سرنمون)[1]، نماد [2]و اسطوره[3] است را معرفی کند.

بازتاب و شم واکنش‌های مشترک بین انسان و حیوان برای بقا و تنازع هستند. آنچه در این نظام بیشتر مدنظر است، تبدیل قوه یا شم به تصاویر در ذهن انسان است؛ تصاویری که جنبه‌ی انسانی، جهانی و سرمدی دارند. این تصاویر انسانی کهن‌الگو نامیده می‌شوند. کهن‌الگو‌ها با شرایط فرهنگی تغییر نمی‌کنند درحالی‌که نمادها و اسطوره‌ها بیانگر دگرگونی‌های فرهنگی و زمانی - مکانی خواهند بود (نامور مطلق،1392: 28). به بیان دیگر کهن‌الگوی فرهنگی شده، نماد است و هنگامی‌که نماد دارای روایت شد به اسطوره(روایت‌های نمادین) تبدیل می‌شود؛ بنابراین اسطوره، تصویری فرهنگی شده و دارای یک روایت است (همان: 29 تا31). از آنجا که کهن‌الگو(سرنمون) فاقد روایت فرهنگی است و تنها دارای تصویر(ایماژ) است، صرفاً از طریق شناخت نمادها و روایت‌های نمادین آن می‌توان این تصویر جهانی را بازسازی کرد. بنابراین سعی می‌شود در این پژوهش با بررسی شباهت‌های نمادها و روایت‌های نمادین درخت زندگی در اسطوره‌های کهن فرهنگ‌های گوناگون و متون اسلامی به مفهوم کهن‌الگوی درخت در جهان برسیم.

لذا در این مقاله با رویکرد بینامتنی و با تأکید بر نظریه‌ی ژرار ژنت که حضور عنصری مشترک بین دو متن را سبب برقراری رابطه‌ی بینامتنیت می‌داند، درخت زندگی را در منابع کهن فرهنگ‌های مختلف و متون اسلامی مورد بررسی قرار ‌دهیم؛ سپس نشان می‌دهیم که مرجع روایت‌های نمادین درخت زندگی از متون اسلامی در منابع کهن قابل پیگیری است. شناسایی ارتباط این توصیفات نمادین درخت زندگی با برخی از آثار هنری ایران از اهداف دیگری است که به آن پرداخته می‌شود.

از نظر فرهنگی، به این دلیل که متون موردمطالعه از فرهنگ‌های متفاوت برخاسته‌اند، بینامتنیت از نوع بینافرهنگی است و از آنجاییکه متن[4] اول به ‌نظام زبانی و متن دوم به ‌نظام تصویر تعلق دارد، روابط بینامتنی از گونه‌ی بینانشانه‌ای است؛ بنابراین سعی می‌شود بین متون زبانی پژوهش شده و تصاویر مرتبط پیوند قائل شویم. در نهایت یک رده‌بندی مفهومی از درخت زندگی بر اساس داده‌های مختلف از فرهنگ‌های گوناگون کهن و متون اسلامی[5] در جداول ارائه می‌گردند. از جمله مضامین مشترک درخت زندگی بین هر دو متن ذکر شده، می‌توان به جاودانگی، نجات‌بخشی، شفا، باروری و نعمت اشاره کرد. در نهایت کهن‌الگوی درخت در هر دو متن قابل شناسایی است؛ بنابراین بررسی اسطوره‌ها راه را در رسیدن به این کهن‌الگوی جهانی میسر نمود و مصادیق آن در آثار هنری ایران دوره اسلامی نیز حاکی از تکرار کهن الگوی درخت در تصاویر بدست آمده است.

از ضرورت‌های انجام این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که در حوزه‌ی مطالعات تفسیر نمادها چنین پژوهشی صورت نگرفته است و اینگونه تحقیقات دید ما را نسبت به مطالعات فرهنگی و مطالعات آثار هنری گسترده‌تر می‌کند. برای نشان دادن بن‌مایه‌های مختلف که خود را در فرهنگ به نمایش درمی‌آورند نیاز به مستندسازی داده‌ها در حوزه‌های مختلف دین، ادبیات، هنر و ...است. در این راستا با بررسی یک مورد نمونه‌ای کوشیده می‌شود با رویکرد بینامتنی نشان دهیم که چگونه نظام نمادین خود را در عمل نشان می‌دهد. این نوع رویکرد درک ما را نسبت به متن متفاوت می‌کند؛ خوانش تازه‌ای ایجاد می‌کند و سوای آن در شکل‌گیری نظریه‌های مختلف در حوزه‌ی زبان و دین راهگشاست.

**پيشينه تحقيق:**

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با نمادپردازی درخت زندگی انجام گرفته است. کتب و مقالات زیادی به اسطوره‌های درخت زندگی در فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. از سوی دیگر نمونه‌هایی از منظری که ما در این مقاله به آن پرداخته‌ایم، کارشده که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود. با بررسی و جستجو در پایگاه‌های کتابخانه‌ای، اینترنتی واطلاع‌رسانی موارد زیر یافته شده است:

- «Parpola,1993» انطباقی از مدل درخت زندگی آشور بر مدل درخت سفیروت در کابالای یهودی به لحاظ اشتراک‌های خدایان بین‌النهرین، کارکردها و نقش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

- نویسندگانی همچون *الیاده، 1388، دوبوکور،1387،* *لیک،1389*، *الیاده،1385*، *برن و دیگران،1384*،*گریمال،1373*، *شایگان، 1386*، *بیرلین،1386*، *فرنو،1384 و وارنر،1386*در بخش اساطیر کهن کار کرده‌اند. مجموعه‌هایی از آیین‌های مرتبط با درخت، داستان‌ها و اسطوره‌های بین‌النهرین، یونان، هند وغیره در کتب ذکر شده، آورده شده است.

- *کاظم‌پور،1389*به معرفی و طبقه‌بندی نقش‌مایه درخت زندگی و نماد‌های وابسته به آن در هنر ایران از دوره ایلامی تا دوره اسلامی می‌پردازد. در نهایت نمود نقش‌مایه درخت زندگی را در فرش ایرانی با روش توصیفی \_ تطبیقی بررسی می‌نماید.

- *رستمی،1389* به بررسی نماد درخت و پرنده در ارتباط با اسطوره‌ها و باورهای فرهنگی، به طور تطبیقی می‌پردازد. و در پایان به تفسیری از نماد گل و مرغ در فرهنگ ایران دوره اسلامی می‌پردازد.

در حالی‌که این پژوهش به گردآوری داده‌ها و طبقه‌بندی مفاهیم درخت زندگی در اسطوره‌های کهن و متون اسلامی می‌پردازد و ارتباط آن‌ها را با برخی از تصاویر آثار هنری ایران نشان می‌دهد.

**روش پژوهش:**

روش تحقیق ازنظر هدف بنیادی و با رویکرد بینامتنی است. بر پایه‌ی اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه‌ی متن‌های گذشته بنا می‌شوند. بینامتنیت همواره روابط میان دو متن را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش بر اساس دیدگاه ژرار ژنت به مطالعه می‌پردازد. او دیدگاه خود را با طرح ترامتنیت بیان می‌دارد. او به پنج نوع رابطه‌ی ترامتنی قائل است: بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت. از این میان، بینامتنیت و بیش متنیت به رابطه‌ی میان دو متن هنری می‌پردازند.

ازنظر ژرار ژنت بینامتنیت به رابطه‌ی هم‌حضوری و هم‌وجودی می‌پردازد و معتقد است هرگاه عنصری در دو متن وجود داشته باشد، موجب برقراری رابطه بینامتنیت می‌شود؛ یعنی حضور عنصری مشترک میان دو یا چندین متن سبب می‌گردد تا مطالعه‌ی این متن در حوزه‌ی بینامتنیت صورت پذیرد (نامور مطلق،1390: 98). این رساله سعی دارد با چنین رویکردی درخت زندگی را به‌عنوان عنصری مشترک در منابع کهن و سپس در متون اسلامی موردبررسی قرار دهد.

**نمادپردازی‌های درخت زندگی در روایت‌های اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی:**

شواهد بسیاری در متون فرهنگ‌های مختلف جهان با موضوع درخت زندگی وجود دارد. این شواهد را به یکسری صفت و کارکرد درخت زندگی طبقه‌بندی می‌کنیم؛ سپس به ارتباط و طبقه‌بندی این صفات و کارکردها در منابع متون اسلامی می‌پردازیم.

در اساطير و افسانه هاي مربوط به درخت زندگي، غالباً به اين تصور مكنون و ضمني برخورده ايم كه (مي‌گويد) درخت زندگي در مركز عالم واقع است و آسمان و زمين و جهان زيرين (دوزخ) را به‌هم مي‌پيوندد (الياده،1385 :285). درخت يا ستوني مركزي كه نگهدار جهان است و عمر جاودان مي دهد. درخت در مناطق دست نيافتني واقع است و موجودات عجيب الخلقه از آن نگهباني و پاسداري مي‌كنند (همان: 355 و356).

در بين النهرين، «درخت زندگي» تركيبي از رستني‌هاي گوناگوني است كه به علت طول عمر و زيبايي و سودمنديشان مقدس شمرده مي‌شوند، از قبيل: درختِ سدر كه چوبش گرانبهاست، نخل كه خرما مي‌دهد، تاك بن با بار خوشه‌هاي انگور و درخت انار، رمز باروري كه ميوه‌اش آبستن صدها دانه است (دوبوكور، 1387: 13). در شمايل نگاري بين النهرين، معمولاً بزسانان و ستارگان و پرندگان و ماران، درخت را در ميان گرفته اند (الياده، 1385: 265).

درخت کاج سیاه در بهشت بابل هم دارای ویزگی‌های زندگی‌بخش و هم دارای ویژگی‌هایی است که از آن به عنوان درخت کیهانی یاد می‌شود. نیروی حیات‌بخش این درخت از آب حیات گرفته شده و در درخت جذب گردیده و از آن سرچشمه می‌گیرد (James,1966,13). یک شخصیت الهی که یک شاخه، یک گیاه یا یک ساقه دانه (گیاه) در دست دارد، به کرات در

مهرهای بابلی دیده می شود که گاه شامل یک تنه‌ی درخت، یک نقطه بر روی هر طرف آن می‌باشد که شاید نشان دهنده‌ی میوه‌ی درخت زندگی باشد (همان:98). ارتباط درخت و شاه در آشور دیده می‌شود. درخت زندگی یکی از نمادهای تندرستی و سعادت شهریار و فراهم‌شدن سعادتِ اجتماعی توسط شاه بود. در این منطقه شاه نماینده‌ی خدا و از طریق او بودکه رفاه و فراوانی نعمت حاصل می‌شد. پیوند شهریار و درخت زندگی و باروری، در ارتباط با خدابانوی باروری، در نقش برجسته‌ای از آشور (عکس1) که شاه را در حال بارور کردن درخت زندگی است، نشان می‌دهد (گری،1378: 103 و104).



عکس1، شهریار آشور، آشوربانیپال دوم،سده 9ق.م (گری،1378: 102)

داستان سومری گیل‌گمش جستجوي جاودانگي او را با گیاهی بیان می‌دارد (فرنو، 1384 :350). ولي وقتي گيلگمش از چشمه اي آب مي نوشيد، ماري آن گياه را از او دزديد (گريمال، 1381: 42). داستان سومری گیل گمش بر فاني بودن انسان و از سویی به دنبال زندگی جاودان را نشان می‌دهد. در واقع آدمي از نخستين ادوار حيات فرهنگي خود همواره در جست و جوي جاودانگی بوده و معمولاً این امر با گیاهی در ارتباط است. درخت زندگی در مصر به صورت نمادین شکل درخت سیکامو یا نخل خرما را به خود گرفت. گفته می‌شود اگر کسی از آب زندگی بنوشد و از میوه‌ ی این درخت بخورد، عمر جاودان خواهد یافت (شپرد، 1393: 240).

ردّپای چنین توصیفاتی در متون اسلامی هم دیده می‌شود. قرآن در سوره بقره داستان هبوط آدم و حوا را بیان می‌دارد. خداوند می‌فرماید: «[وَ قُلْنا يا آدَمُ اسْکُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّةَ وَ کُلا مِنْها رَغَداً حَيْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَکُونا مِنَ الظَّالِمينَ](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=2&AID=35)[[3]](#footnote-3) [فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطانُ عَنْها فَأَخْرَجَهُما مِمَّا کانا فيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَکُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتاعٌ إِلى‏ حينٍ](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=2&AID=36)»[[4]](#footnote-4) «ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی‌زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه می‌خواهید و نزدیک نشوید به این درخت که ازجمله ستمکاران خواهید بود پس شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند و خوردند از آن درخت و بدین عصیان هر دو را از آن بهشت پرنعمت بیرون کرد و گفتیم (به آدم و حوا) فرود آیید از بهشت که برخی را دشمنید و شمارا در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ». در كتاب آفرينش (فصل اول «پيدايي جهان و انسان») نیز آمده است كه خداوند در باغ عدن يا بهشت روي زمين، در ميان «همه گونه درخت خوش‌نما»، دو درخت «بهشتي» (درخت حيات و درخت دانستن نيك و بد) از زمین رویانید. آدم و حوا به اغوای مار و به‌رغم منع و نهی پروردگار، از «درخت زندگي» روي برتافته از میوه‌های درخت دوسوگراي «معرف خير و شرّ» خوردند و يهوه آنان را از بهشت راند و گفت: «اينك آدم: نظر به دانستن نيك و بد، چون یک‌تن از ما شده است. پس حال مبادا كه دست دراز كرده، هم از درخت زندگي ميوه چيده بخورد و تا ابد زنده ماند» (سفر تكوين، فصل 3، آیه 22) (دوبوکور،1387: 13).

در سوره طه آیه 120 آمده است: «[فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطانُ قالَ يا آدَمُ هَلْ أَدُلُّکَ عَلى‏ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْکٍ لا يَبْلى](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=20&AID=120)». بدین معنی که وقتی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟» در رابطه با «درخت طوبی» در سوره رعد آیه‌ی 29 آمده است: «طُوبى‏ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ‏» خوشا به حال آنان و بازگشت خوبى دارند و درخت‏ طوبى درختى است در بهشت كه ريشه‏اش در خانه رسول خدا صلی‌الله عليه و اله و در خانه هر يك از مؤمنين و اهل بهشت شاخه‏اى از آن وجود دارد كه هر چه مؤمن نيت او را نمايد و هر رقم خواسته‏اى كه داشته باشد خداوند از همان شاخه به او می‌دهد و اين درخت‏ به‌قدری بزرگ است كه فرضاً اگر اسب‌سواری با سرعت هر چه بيشتر اسبش را براند و تا مدت یک‌صد سال برود از سايه اين درخت‏ بيرون نمی‌رود و اگر پرنده‏اى از پائين اين درخت‏ شروع به پرواز نمايد به نقطه بالاى آن نمی‌رسد گر چه به پیری برسد شمارا هشدار می‌دهد كه براى رسيدن به چنین جايى همت گمارید. مؤمن بايد مسئولیت‌هایی كه خود دارد می‌پردازد و مردم هم از طرف او در راحت و آسايش هستند. هنگامی‌که تاريكى شب فرامی‌رسد صورت خود را بر زمين نهاده و با اعضاء ارزشمند بدن خود را به حالت سجده درآمده و باخدای خويش مناجات و درخواست رهایی از آتش دوزخ می‌نماید شما هم این‌چنین باشيد (مجلسی،1364، جلد 67: 289).

آورده شده است که: «و بر در بهشت، درختى است كه در زير سايه يك برگ آن درخت‏، هزار كس جا مى‏گيرند و در طرف راست آن درخت، چشمه پاكيزه و پاك‏كننده است و هرکدام، از آن چشمه جامى مى‏خورند و خداى تعالى، به آن شربت، آب دل‏هاى ايشان را از حسد، پاك مى‏كند و مويى كه در بدن ايشان است، فرومی‌ریزد و اين، معنى قول خداى تعالى است كه فرموده: «وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً»[[5]](#footnote-5) يعنى: به خوردِ ايشان مى‏دهد پروردگار ايشان، آشاميدنى پاك‏كننده. پس فرمود كه: شراب طهور از اين چشمه پاكيزه، سازنده است؛ و بعدازآن، متوجّه چشمه ديگر مى‏شوند كه در طرف چپ آن درخت، واقع‌شده

و در آن چشمه، غسل مى‏كنند و آن چشمه، چشمه زندگانى است و كسانى كه در آن چشمه غسل مى‏كنند[[6]](#footnote-6)، ديگر هرگز نمى‏ميرند» (گلستانه،1387: 308).

با دقت در این متن می‌توان مفاهیمی همچون جاودانگی، نجات‌بخشی، شفا و نعمت بخشی را ملاحظه نمود؛ اگرچه ممکن است در ظاهر قضیه دیده نشود. در نمونه‌ای دیگر امام صادق (ع) فرمود: «بر شما باد هليله سياه كه آن از درخت‏ بهشتى است طعم آن تلخ است ولى در آن شفاى هر دردى است‏» (مستغفرى،44:1381). مفهوم شفا در درختی بهشتی دیده می‌شود.

در روایتی دیگر امام حسن مجتبی(ع) از پیامبر(ص) روايت مى‏كند كه آن حضرت فرمود: «در بهشت درختى است كه به آن درخت‏ ابتلا مى‏گويند و آن در روز قيامت به اهل بلا و مصيبت داده مى‏شود و هیچ‌گونه محكمه و ميزانى جهت بررسى‏ اعمال آن‌ها تشكيل نمى‏شود و مانند باران بر آن‌ها ثواب و پاداش فرومی‌ریزند (همان‌گونه كه در دنيا مانند باران بر ايشان بلا ريخته مى‏شد)». آنگاه امام حسن مجتبى عليه السّلام اين آيه را خواند: «إِنَّما يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ‏»[[7]](#footnote-7) (شهيد ثانى،107:1380).

در این روایت با مفهوم بخشودگی نعمت روبرو هستیم. ویژگی‌های مشترک درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی در شکل 1 نشان داده شده است.

|  |
| --- |
| **در متون اسلامی**  - سایه گستر بودن  -نزدیک رود یا چشمه  -چشمه جاودانگی و بی‌مرگی  -دارای میوه شفای هر دردی  -نگهبانی توسط فرشتگان  -کاشتن درخت توسط خداوند، پیامبر یا ائمه  -در مرکز بهشت |

|  |
| --- |
| **در متون اسطوره‌ای کهن**  - دارای سایه بزرگ  - بر روی آب  - دارای میوه‌ی جاودانگی و شفا دهنده  - نگهبانی موجودات عجیب الخلقه از آن  - کاشته شدن توسط ذات الهی، پیامبر یا شاه  - طول عمر و زیبایی و سودمندی  - در مرکز عالم |

شکل1، نماد پردازی درخت زندگی (نگارنده)

با توجه به آنچه به طور خلاصه در جداول1 تا 5 آورده شده است، مفاهیم مختلفی از درختان و میوه‌های اعجازآمیز آن وجود دارد؛ مفاهیمی همچون بی‌مرگی، جاودانگی، شفا دهنده‌ی دردها، باروری و نعمت، هدایت یا نجات‌بخشی و غیره. درختی که در مرکز جهان یا بهشت قرار دارد و تنها برگزیدگان می‌توانند از میوه‌های آن بخورند. درخت در هر دو متن مورد مطالعه (اسطوره‌های کهن و متون اسلامی)، بارور و دارای نعمت‌هایی است که توسط شاه یا خداوند بر آن نهاده شده است. درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن اکثراً توسط شاه یا ایزدی[[8]](#footnote-8) کاشته می‌شود. همین ویژگی در متون اسلامی هم دیده می‌شود که درخت توسط خداوند، پیامبر یا ائمه کاشته می‌شود.

بر این اساس جداول زیر در حدّ مطالعات انجام گرفته، ویژگی‌های درخت زندگی را در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی نشان می‌دهد.

جدول1، طبقه‌بندی موضوعی درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نمادپردازی درخت زندگی | نجات‌بخشی یا شفا | جاودانگی | نگهبانی | باروری |
| ایران |  |  |  |  |
| بین النهرین |  |  |  |  |
| بابل |  |  |  |  |
| سومر |  |  |  |  |
| آشور |  |  |  | (درخت-شاه) |
| روم |  |  |  |  |
| مصر |  |  |  |  |
| یونان |  |  |  |  |
| فنیقی |  |  |  |  |
| هند | (درمان درد) |  |  |  |

(نگارنده)

جدول2، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی با توجه به داده‌های متون اسلامی.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بازنمودهاي درخت زندگي (درختان بهشتي) | جاودانگي | نجات‌بخشی ، شفا، نعمت بخشي |
| كليني ، 1364 ،137 تا 139 |  |  |
| آقا جمال خوانساري ، 1366 ، ج 3 : 30 |  |  |
| مستغفري ، 1381 : 44 |  | (شفا) |
| شهيد ثاني ، 1380 : 107 |  | (بخشودگی نعمت) |
| مجلسي ، 1351 : 44 |  |  |
| گلستانه ، 1387 : 308 |  |  |
| ابن بابويه ، 1381 : 37 |  |  |
| ابن بابويه ، 1380 : 831 |  |  |
| مجلسي ، 1351 ، ج 1 : 264 |  |  |
| حسكاني ، 1381: 372 |  |  |
| مجلسي ، ج 50 ، 1364 : 137 تا 139 |  |  |
| مجلسي ، 1380: 110 |  |  |
| مجلسي ، 1379: 53 |  |  |
| شريف الرضي ، 1388 : 24 |  |  |
| ابن بابويه ، 1380 : 531 تا 534 |  | (مژدگانی نبوت بوذاسف) |

(نگارنده)

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| باز نمود هاي درخت زندگي  ( درخت طوبي ) | جاودانگي | شفا يا نجات بخشي | نثار | باروری و نعمت |
| مجلسي ، 1364 ، ج 64 : 289 |  |  |  |  |
| مجلسي ، 1372 :132 |  |  |  | (توسط خداوند) |
| شيخ حر عاملي ، 1380 : 229 |  |  |  | (کاشتن درخت توسط خداوند) |
| مجلسي ، 1355 : 104 تا 108 |  |  |  |  |
| اربلي ، 1382 ، ج 1: 123 |  |  | (نثار رقعه آزادی از آتش) |  |
| فتال نيشابوري ، 1363 : 244 |  |  | (نثار در و یاقوت و مرجان) |  |
| مجلسي، 1379، ج 43: 277 |  |  |  |  |
| مجلسي ، 1372 ، ج 8 : 528 |  |  | (نثار مروارید و مرجان) |  |

جدول 3، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی(درخت طوبي) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

(نگارنده)

جدول 4، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی(سدره‌المنتهی) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| باز نمود هاي درخت زندگي (سدره المنتهی) | انتهای آسمان | باروری و نعمت | گواهی |
| مجلسي ، 1351 ، ج 54 : 49 | (مشاهده خداوند با دیده دل توسط پیامبر) |  |  |
| مجلسي ، 1364 ، ج 67 : 143 |  |  |  |
| مجلسي ، 1379 ، ج 43 : 433 |  |  |  |

(نگارنده)

جدول 5، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی(زیتون) با توجه به داده‌های متون اسلامی.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| باز نمود هاي درخت زندگي( درخت زيتون ) | جاودانگي | اعتدال | هدايت يا نجات بخشي |
| علامه حلي ، 1379 : 219 |  |  |  |
| كليني ، 1375 ، ج 2 : 719 |  |  |  |
| مجلسي ، 1363 ، ج23: 180 |  |  |  |
| مجلسي ، 1363 ، ج 23 :192 |  |  |  |

(نگارنده)

بنابراین با توجه به طبقه‌بندی صورت گرفته در جداول، با یکسری مفاهیم جهانی در رابطه با درخت روبرو هستیم که خود را به صورت نمادین در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد.

بازنمایی این مفاهیم در نگارگری‌های دوره اسلامی هم قابل مشاهده است. ژنت این نوع رویکرد را بینانشانه‌ای می‌خواند. در واقع چنانچه متن اول به‌نظام زبانی و متن دوم به‌نظام تصویر تعلق داشته باشد، روابط بینامتنی از گونه‌ی بینانشانه‌ای خواهد بود. «بینامتنیت بینانشانه‌ای امکان مطالعه‌ی روابط متن‌هایی از نظام‌های گوناگون نشانه‌ای را فراهم می‌کند» (نامور مطلق،1390: 318).

برای نمونه نگاره‌هایی از معراج پیامبر دقیقاً درختان بهشتی را با توصیفات مربوط به آن نشان می‌دهد. آنچه در این تصاویر دیده می‌شود، با روایت‌های متون اسلامی منطبق است. این نگاره‌ها مربوط به مکتب هرات و سده نهم است (عکس‌های 2 تا 4). در این تصاویر می‌توان شاهد درخت، نگهبانان درخت به‌صورت فرشته، آب و پرنده، درخت با تنه و شاخه‌هایی از زمرد و

مرواید بود و اینها دقیقاً همان عناصری هستند که در توصیف درخت زندگی در متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی دیده می‌شود.

****

عکس 2، در پای درختی با شاخه‌های زمرد،.سده 9.

(رزسگای،1385: 92)

 

عکس4، معراج‌نامه، سرگرمی‌های حوریان، سده9.

(همان: 119)

عکس 3، پیامبر و گروهی از حوریان بهشتی گرداگرد درخت، سده 9.

(همان: 116)

در عکس 2 درختی که تنه و شاخه‌هایی از زمرد و مروارید دارد، دیده می‌شود. از پای درخت چهار رود جاری شده است. این تصویر یادآور یکی از ویژگی‌های درخت زندگی در اسطوره‌های کهن است که معمولاً درخت را در کنار چشمه‌ای توصیف می‌کند. این درخت بنا به روایاتی که در متون اسلامی آورده شده، در شب ازدواج حضرت علی(ع) و فاطمه(ص) درّ و یاقوت و مرجان نثار می‌کند؛ بنابراین می‌تواند یادآور درخت طوبی باشد.

برخی از توصیفات بدست آمده از درخت زندگی اشاره به منشأ گیاهی نسل انسان دارد. این ویژگی هم در اسطوره‌های کهن و هم در متون اسلامی قابل رؤیت است. که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود. درون‌مایه بسياري از اسطوره‌ها، آفرينش جهان و خاستگاه انسان است. اين درون‌مایه را در ميان اقوام بدوي اغلب سرزمین‌ها می‌توان يافت و ردپاي آن‌ها را در روزگاري بسيار كهن می‌توان جست‌وجو كرد (وارنر 22:1386). آنچه پيش از هر چيز موردتوجه ماست، مدار حياتي موجود ميان اين دو سطحِ نباتي و انساني است. اينكه نژادي و نسلي از جنس نوعي گياه است، بر اين پیش‌فرض مبتني است كه سرچشمه زندگي در آن گياه می‌جوشد؛ و بنابراين نوع حيات انسان، بالقوه، به‌صورت جرثومه، تخم، آب پشت در آن گياه وجود دارد (الياده،1385 :288). در اسطوره‌ها به‌کرات با درخت روبه‌رو می‌شویم. از ديدگاه اسکاندیناوی‌ها، سوها، الگانكين‌ها و ايرانيان، از درخت است كه انسان زاده می‌شود (بیرلين،1386: 118). انسان خود را خلف نيايي می‌داند كه از درختي زاده شده است (الياده، 1385: 268). جدول 6 اسطوره‌های اقوام مختلف در این رابطه را بیان می‌دارد.

همین امر در متون اسلامی هم دیده می‌شود. برای نمونه آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ»[[9]](#footnote-9) اشاره به همین موضوع دارد. رسول اللَّه صلى اللَّه عليه و آله در توضيح و تفسير این آيه فرمود: «انا شجرة و فاطمة فرعها و علىّ لقاحها و حسن و حسين ثمرها و محبّوهم من امتى ورقها، هم في جنّة عدن و الّذى بعثنى بالحقّ». يعنى من درخت‏ و شجره در اين آيه شريفه هستم. فاطمه فرع آن شجره است؛ و على لقاح و بارور کننده درخت‏ است. حسن و حسين علیهما السلام ميوه‏هاى آن هستند، محبان و شيعيان ما برگ‏هاى سبز اين درخت‏ هستند، سوگند به خدايى كه مرا مبعوث كرد شيعيان ما در بهشت رضوان مأوا خواهند گرفت (حسكاني،1380: 158).

آنچه بیش از هر چیز مورد توجه ماست، رابطه‌ی بین دو سطح گیاهی و انسانی است. در روایات مختلف قصه‌ی رومانیاییِ «سه دانه انار»، قدیسی به پدر یا مادری سیبی می‌دهد و وی با خوردنش، فرزندی به وجود می‌آورد (الياده، 1385: 290).

در روایات اسلامی نطفه حضرت فاطمه (ص) پس از خوردن میوه از درخت بهشتی تشکیل می‌شود (مجلسی،1379: 123). جدول 7 نمونه‌هایی از متون اسلامی که به گونه‌ای اشاره به منشاء گیاهی انسان را دارند، نشان می‌دهد. این درخت مفاهیمی همچون جاودانگی، بشارت نبوت و نسل گیاهی انسان را نشان می‌دهد.

جدول6 طبقه‌بندی درخت به عنوان منشأ گیاهی انسان در اسطوره‌های کهن.

|  |  |
| --- | --- |
| رومانی | بارداری با خوردن سیب یا برگ بوته‌ی گل سرخ. |
| چین | پدید آمدن نژاد بشر از تخم کدو و نبات به عنوان سرچشمه حیات. |
| هند | - به دنیا آمدن 60هزار کودک از کدویی که سوماتی زایید.  - زاده شدن دو قلوهای کریپ و کراپا از پشته‌ی نی.  - به دنیا آمدن پسر بچه‌ای از درخت موز. |
| یونان | - برآمدن انسان‌ها از بذر درخت زبان‌گنجشک یا بلوط.  - زایش آدونیس و اَتیس از درخت. |
| مصر | زاده شدن آتوم و نون از لوتوس |
| تورات | خوابی که یشی پدر حضرت داود، از روییدن درخت بر پهلویش دید. |
| استرالیا | جایگاه روح کودکان در درختان و انتقال آن از ناف به شکم مادر و زاده شدن انسان از درخت ابریشم. |
| اسکاندیناوی | آفریدن مرد از درخت زبان‌گنجشک و آفریدن زن از درخت نارون توسط اودین و برپا نگهداشتن کائنات به وسیله درخت زبان‌گنجشک به نام یگدرازیل. |
| ایران | - به وجود آمدن نخستین زوج انسانی از گیاه ریواس  - روییدن تاک بر شکم مادر کوروش در خواب. |
| تونگا و ساموآ | از تجزیه‌ی تاک، انبوهی لارو پدید آمد و به زن و مرد مبدل گشت. |
| سرخپوستان امریکا | فراز آمدن انسان از درختی آیینی. |

(نگارنده)

جدول7، طبقه بندی موضوعی درخت زندگی به عنوان شجره و منشأ گیاهی انسان(شجره طيبه)با توجه به داده‌های متون اسلامی.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| بازنمودهاي درخت به‌عنوان منشاء گیاهی | جاودانگي | بشارت نبوت | شجره يا منشأ گياهي انسان |
| حسكاني ، 1380: 157و 158 |  |  |  |
| طبرسي ، 1371 : ج 3 : 59 |  |  |  |
| حسكاني : 1380: 149 |  |  |  |
| شریف الرضي ، 1388 : 95 |  |  |  |
| مجلسي ، 1355 : 382 |  | (گماردن امام) |  |
| شريف الرضي ، 1379 : 639 |  |  | (تشبیه ستون دین به درخت) |
| شیخ حر عاملی،1380: 228 |  |  |  |
| مجلسي ، 1379 : 53 |  |  | (تشکیل نطفه حضرت فاطمه با خوردن میوه بهشتی) |

(نگارنده)

در برخی موارد با موارد خاص نمادین در رابطه با درخت روبرو می‌شویم که تصویر یا ایماژ درخت را در رابطه با مار، پرنده و چهارپایان و غیره بیان می‌کند. این ایماژ بنیادی است و خود را هم در زبان و هم در تصویر نشان می‌دهد. در این راستا به بررسی چنین ارتباطی با عناصری همچون مار، پرنده، اسب و شتر پرداخته می‌شود.

در بسیاری از اسطوره‌ها ارتباط درخت و مار به‌خوبی دیده می‌شود. مار غالباً در پاي درخت زندگي می‌خزد و يا به دورش پيچيده است؛ نگهبانان گنجي است كه در ميان ریشه‌های درخت زندگي، پنهان است (دوبوکور،1387: 70).

از جمله در اسطوره‌ اسکاندیناوی غول مارها ریشه‌های درخت یگدرازیل را می‌خایند و گوزن‌ها و بزها شاخه‌های آن را می‌خورند (دیویدسون، 1385: 194). مار در اسطوره سومری پایین درخت هولوپو[6] زندگی می‌کند (لیک،1389: 148). در اسطوره یونانی افعی از سیب‌های زرین مراقبت می‌کند (وارنر،1386: 566). در متون اسلامی اژدها به ساق درخت پیچیده و یا

در چاهی که درختی بالای آن قرار دارد، زندگی می‌کند. برای نمونه متن زیر از ابن بابویه چنین ارتباطی را نشان می‌دهد: «چون اندكى راه رفت از بخت بد به چاهى درافتاد كه در آن اژدهايى عظيم بود و در آن چاه درختى روییده بود چون به آن درخت‏ نظر افكند، ديد بر آن درخت‏ دوازده غول مأوا كرده‏اند و در زير درخت‏ دوازده شمشير برهنه برّان نهاده‏اند. پس سعى بسيار كرد و به انواع حيله‏ها از آن درخت‏ بالا رفت و خود را از شاخه‏اى به شاخه‏اى ديگر رسانيد و به صد افسون از آن مهلكه خلاصى يافت و خود را به دهانه چاه رسانيد و از آنجا به ساحل دريا آمد و ديد كشتى آماده حركت است. در آن نشست و به‌جانب وطن رهسپار گرديد» (ابن‌بابویه،1380: 520 تا 525). طبقه‌بندی موضوعی درخت و مار در جداول 8 و9 آورده شده است. مرگ وتاریکی، درگیری اضداد و غلبه روشنایی بر تاریکی به‌عنوان مفاهیم مشترک بین هر دو متن مورد بررسی شناسایی گردید. این نوع نمادپردازی در تصاویر 5 و6 دیده می‌شود.

جدول8، طبقه بندی موضوعی درخت≠ مار با توجه به داده‌های متون اسطوره‌ای کهن

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| درخت ≠ مار (اژدها) | نگهبانی | درگیری اضداد | غلبه روشنايي بر تاريكي |
| اسطوره اسکاندیناوی(درخت یگدرازیل) |  |  |  |
| اسطوره سومری(درخت هولوپو) |  |  |  |
| اسطوره سومری (اتانا) |  |  |  |
| اسطوره یونانی(سیب‌های زرین) |  |  |  |

(نگارنده)

جدول9، طبقه بندی موضوعی درخت≠ مار با توجه به داده‌های متون اسلامی

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| درخت ≠ اژدها ( مار) | مرگ و تاریکی | غلبه روشنايي بر تاريكي | درگیری اضداد | دوگانگي اعتقادي |
| قضاعي ، 1361 : 283 |  |  |  |  |
| ابن بابويه،1380 : 520 |  |  |  |  |
| مجلسي ، 1389 : 510 |  |  |  |  |
| مجلسي ، 1355 : 43 |  |  |  |  |

(نگارنده)

 

عکس5، قالی کرمان، موزه فرش ایران، نیمه قرن 14 ه.ق عکس 6، ساتن، کتیبه. سده 10ه.ق.

(پوپ و آکرمن،1387،ج 11: 983)

(دادگر،1380: 20)

پرنده معمولاً بر شاخسار و نوک درختان آشیان دارد. پرنده واسطی میان زمین و آسمان است و رحمت و شفای ایزدی را به همراه می‌آورد. پرنده به‌عنوان سخنگوی درخت، خبر از آینده می‌دهد چرا که پیام‌آور خدایان است. در متون اسلامی نیز همین ویژگی نشان داده می‌شود و از شهادت امام حسین(ع) و یا از ولایت حضرت علی(ع) خبر می‌دهد. گاه در متون اسلامی، پرنده به شکل فرشته ظاهر می‌شود و از درخت نگهبانی می‌کند. فرشته نیز رحمت و شفای ایزدی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین می‌توان کهن‌الگوی درخت و پرنده را در هر دو متن شناسایی شده، پیگیری نمود.

نمونه‌ای از متن مجلسی چنین نمادپردازی را بیان می‌کند:

وقتى چشم آن پرندگان به جسد مقدس حسين افتاد صيحه زدند و صدا به گريه و وا ويلا بلند كردند. در ميان خون مباركش نشستند و پر و بال خود را بوسيله آن خون رنگين نمودند. سپس هر يك از آنها بطرفى رو نمود تا اهل آنجا را از شهادت حضرت حسين عليه السلام آگاه نمايد. از قضا يكى از آن پرندگان متوجه مدينه پيامبر اسلام صلّى اللَّه عليه و آله شد آن پرنده در حالى آمد كه خون از پر و بالش مى‏چكيد. آن پرنده در اطراف قبر مقدس حضرت محمّد گردش ميكرد و اين سخن را ميگفت: الا قتل الحسين بكربلاء، الا ذبح الحسين بكربلاء. نقل شده: در آن روزى كه آن مرغ وارد مدينه شد، دختر یک یهودی که کاملاً ناتوان بود وقتى هنگام سحر گريه و ناله آن مرغ را شنيد خود را همچنان روى زمين مى‏كشيد تا آمد زير آن درختى كه آن پرنده بر فراز آن بود آن دختر همچنان با آن پرنده هم آه و ناله شد. در همان حالى كه آن دختر ناله ميكرد يك قطره از خون امام حسين كه به پر و بال آن پرنده بود بچشمش چكيد و چشمش شفا يافت! سپس قطره ديگرى بچشم ديگرش چكيد و آن نيز شفا گرفت: بعداً وقتى يك قطره بدستهايش چكيد شفا يافتند! بعد از آن يك قطره به پاهايش چكيد آنها نيز شفا گرفتند، سپس هر قطره خونى كه ببدن آن دختر ميچكيد آن را ببدن خود ميماليد تا اينكه كليه بدنش از بركت خون مقدس امام حسين عليه السلام شفا يافت. (مجلسی،1364، ج 45: 231 و 232).

پرنده به عنوان سخنگوی درخت و پیام‌آور خداوند، رحمت و شفاي ايزدي به‌عنوان مفاهیم مشترک بین هر دو متن شناسایی گردید. در جداول10 و 11 طبقه‌بندی این ارتباط آورده شده است. این نوع نمادپردازی در تصاویر 7 و 8 از دوره اسلامی قابل رؤیت است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| درخت- پرنده | پرنده پیام آور خدایان و  واسط زمین و آسمان | پرنده رحمت ایزدی | پرنده شفای ایزدی و زندگی‌بخش |
| اسطوره چین (درنا) | (آوردن الواح سرنوشتِ بشر) |  |  |
| اسطوره افریقا (هولو- واکا) | (رساندن پیغام جاودانگی انسان از طریق پوست‌انداختن) |  |  |
| اسطوره ایران باستان (سیمرغ) |  |  |  |

جدول10، طبقه بندی موضوعی درخت- پرنده با توجه به داده‌های متون اسطوره‌ای کهن.

(نگارنده)

جدول11، طبقه بندی موضوعی درخت**-** پرنده با توجه به داده‌های متون اسلامی.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| درخت - پرنده | نگهباني | پرنده به عنوان روان سخنگوي درخت و پیام‌آور خداوند | پرنده رحمت ايزدي | پرنده شفاي ايزدي |
| مجلسي، 1351 : 260 |  | (درود گفتن به اميرالمؤمنين(ع) ) |  |  |
| مجلسي، 1364:ج 45 : 231 |  | (خبررساني شهادت امام‌حسين(ع) ) |  |  |
| مجلسي، بي‌تا،ج 75 : 362 |  | (نصيحت كردن ) |  |  |
| ابن‌طاووس،1374 : 78 |  | (خواندن قمري خبر از ولايت حضرت علي(ع) مي دهد) |  |  |
| قطب‌الدين‌راوندي،1378: 707 |  | (خلق صدایی در پرنده‌ای از جنس مس توسط خداوند) |  |  |
| مجلسي،1372: 336 | (فرشته ) |  |  |  |
| مجلسي،1372،ج8: 528 |  | (آوازخواندن مرغان در عید غدیر) |  |  |
| مجلسي،1351،ج 54: 49 | (فرشته ) |  |  |  |
| ‌سلطانی فرامرزی،1372: 104 |  |  | (فرشته جبرئیل) |  |

(نگارنده)



عکس7، بخشی از قالی مشهور شوارتزنبرگ

(همان، ج 15: 384) عکس 8، ابریشم اریب بافت، اصفهان، سده 11ه.ق.

(همان، ج 11: 1052)

ارتباط چهارپایانی نظیر اسب، شیر، بز کوهی و گاو در اسطوره‌های کهن دیده می‌شود. در متون اسلامی با توجه به فرهنگ عرب، شتر جایگزین سایر چهارپایان می‌شود. در این مقاله به ارتباط نماد پردازی درخت - اسب و درخت - شتر در متون اسلامی پرداخته می‌شود.

اسب یکی از نمادهایی است که در آثار هنری همواره به تنهایی یا همرا با سوارش در کنار درخت دیده می‌شود. اسب از روزگاران قدیم به خورشید پیشکش می‌شده است. اسب در هنر باستانی ایران در دوره هخامنشی همراه با سوار دیده می‌شود. در تمدن ماد، معمولاً برای اسب‌ها، جُل‌های زربفت یا قالیچه که هر دو غالباً نقش‌دار بودند، می‌بافتند (دادور، 1385: 69). شاید فرش پازیریک به عنوان کهن‌ترین شاهد موجود فرش‌ ایرانی، بر ارتباط اسب و گیاه دانست. در فرش پازیریک 14سوار، 14 ستوربان، 24 گوزن و 24 نگاره‌ی هشت‌پر ظریف نقش‌پردازی شده است (ژوله،1381: 7). نکته‌ی جالب توجه، نقش‌مایه‌ی گیاهی/ درختی، روی پوشش (جل اسب) اسب‌های این قالیچه است (Opie,1998:31).

دِ آلویلا[[10]](#footnote-10) در کتاب کوچ سمبل‌ها، این نشانه‌ی گیاهی را به‌عنوان یکی از فرم‌های اولیه درخت زندگی معرفی می‌کند که در تصاویر9 و 10 مشاهده می‌شود (D, Alviella,1894:119).

عکس 10، نشانه گیاهی، فرم اولیه درخت زندگی  

(D, Alviella,1894:119)

عکس 9، قسمتی از فرش پازیریک، دوره‌ی هخامنشی

(Opie,1998: 31)

ارتباط درخت و اسب در متنی از دیلمی آورده شده و رحمت ایزدی را بیان می‌کند. «در بهشت عدن درختى است كه بيرون آيد از آن درخت‏ اسب‌های ابلق كه زینت‌هایی از ياقوت و زبرجد دارند و داراى بال‌ها باشند نه سرگين اندازند و نه هم

ادرار كنند دوستان خدا بر آن‌ها سوار شوند پس به‌سوی بهشت پرواز كنند به‌ هر كجا كه بخواهند سپس اهل بهشت آنان را صدا كنند که‌ای برادران ما شما انصاف نكرديد» (دیلمی،1377: 211).

عکس 11 درخت- اسب را در تصاویر دوران اسلامی نشان می‌دهد.

 

عکس11، ظرف سفالی مینایی، قرن 6 و 7 ه.ق عکس12، ظروف مینایی، ایران، قرن دوازده یا سیزده میلادی

(Febervari,2000: 124) (خلیلی، 1384: 191)

متن دیگری از مجلسی حاکی از نمادپردازی درخت - شتر در متون اسلامی است که بیانگر رحمت ایزدی می‌باشد.

« به جزیره پردرخت‏ پر ميوه و پر پرنده و پر از جوى آب رسيديم و ناگاه به درختی تنومند و بی میوه و پر از گل برخورديم. امام با عصایی كه به دست داشت آن را جنبانيد و شكاف برداشت و از آن ماده شترى به طول 80 ذراع و پهناى 40 ذراع بدر آمد و كره‏اى در دنبالش بود، به من فرمود نزديكش برو و از شيرش بنوش، نزديك شدم و نوشيدم تا سير شدم از عسل خوشمزه‏تر و از كره نرم‏تر بود سپس ماده شترى با 120 ذراع درازا و 60 ذراع پهنا از ياقوت احمر بدر آمد و مهارى از ياقوت زر داشت و پهلوى راستش از طلا بود و پهلوى چپش از نقره. فرمود: اى سلمان از شيرش بنوش، گفتم: آقايم اين از كيست؟ فرمود: از تو و همه شيعيان ديگر از دوستانم» (مجلسی،1351، ج 54: 261). درخت- شتر در عکس12 بیانگر ادامه چنین نمادپردازی در آثار هنری ایران دوره اسلامی است.

**نتیجه گیری**

ژار ژنت حضور عنصر یا عناصری مشترک میان دو یا چندین متن را، سبب برقراری رابطه‌ی بینامتنیت می‌داند. بر این اساس در پژوهش انجام گرفته، درخت زندگی به‌عنوان عنصری مشترک در بین متون اسطوره‌ای کهن و متون اسلامی مورد شناسایی قرار گرفت. با توجه به بینامتنیت ضمنی وجود نشانه‌هایی در متن ب(متون اسلامی)، سبب تشخیص بینامتن در متن الف (متون اسطوره‌ای کهن) گردید و به‌دنبال آن شناسایی مرجع این نشانه‌ها صورت پذیرفت. لازم به ذکر است نشانه‌های موجود از اسطوره‌های کهن به صورت صریح در متون اسلامی وجود ندارد بلکه در بیانی نمادین و اسطوره‌ای در متون ظاهر می‌گردند. برای شناسایی کهن الگو باید به سراغ روایت‌های نمادین(اسطوره‌ها) رفت. اسطوره‌ها بیانگر دگرگونی‌های فرهنگی و زمانی- مکانی‌اند. تنها راه حیات کهن‌‌الگوها، نمادها و بیان‌های نمادین است. در این تحقیق، کهن‌الگوی درخت که جنبه‌ای جهانی، انسانی و تصویری دارد، شناسایی شده است. وابستگی نمادها به عناصر فرهنگی و اجتماعی سبب می‌شود به صورت‌های گوناگون تکرار ‌شوند و روایت‌های اسطوره‌ای مختلفی پیرامون آن به‌وجود ‌آید. برای مثال درخت هولوپو در فرهنگ سومری، درخت سرو در فرهنگ ایرانی و درخت طوبی در اسلام، هر کدام یک نماد تلقی می‌شوند زیرا در هر فرهنگی دلالت‌های ضمنی خاص خود را دارند و چنین دلالت‌پردازی را در دیگر فرهنگ‌ها ندارند. هنگامی‌که نماد دارای روایت شد، به اسطوره تبدیل می‌شود. زیرا یک داستان یا یک شخصیت اسطوره‌ای در آن حضور دارد. برای مثال کاشت درخت سرو کاشمر توسط زرتشت

وکاشتن درخت طوبی توسط ذات الهی بیانگر این نوع بیان نمادین است. در این پژوهش، شباهت‌ توصیفات ظاهری و مضامین مشترک میان دومتن کهن اسطوره‌ای و اسلامی شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

نتایج حاصله بدین ترتیب است که درخت زندگی در هر دو متنِ مورد بررسی قرار داده شده؛ در مرکز عالم یا بهشت قرار دارد و توسط ذات الهی، پیامبر یا شاه کاشته می‌شود. دارای سایه‌ای بزرگ، میوه و یا چشمه‌ی جاودانگی و نگهبانان محافظ هستند.

در هر دو متن به موضوعاتی همچون سودرسانی، شفا، جاودانگی، گواهی، باروری و نعمت‌بخشی اشاره دارند. ارتباط اینگونه توصیفات با نمونه‌های آثار هنری نگاره‌های معراج‌نامه‌ی پیامبر صورت گرفت و ملاحظه گردید که نگارگر نیز در آثارش، درخت را با چنین ویژگی‌هایی بیان می‌دارد. همچنین طبقه‌بندی دیگری از اسطوره‌های کهن که به نوعی اشاره به منشأ گیاهی انسان دارند، صورت گرفت و ردپای آن در روایت‌های متون اسلامی مربوط به شجره طیبه دنبال گردید. در این نوع طبقه‌بندی، اسطوره‌های کهن مربوط به آفرینش انسان از درخت یا نوعی گیاه قرار داده شد. این اسطوره‌ها نسل بشر را گیاهی می‌پندارند. در مواردی نیز با خوردن میوه‌ای از درخت، فرزندی به‌دنیا می‌آید. همین موضوع در متون اسلامی نیز قابل شناسایی است؛ آنجا که پیامبر نسل اهل‌بیت را به درختی مانند می‌کند و یا به دنیا آمدن دخترش، حضرت فاطمه(ص) را پس از خوردن میوه‌ای از درختی بهشتی در معراج توصیف می‌کند. طبقه‌بندی عناصر دیگر مرتبط با درخت نظیر حیواناتی مانند مار، چهارپایان و پرندگان در متون الف و ب، ازجمله موارد دیگری است که در این پژوهش به آن پرداخته شد.

در هر دومتنِ مورد بررسی، ارتباط درخت و مار(اژدها) که غالباً به تنه یا ریشه‌های درخت پیچیده شناسایی گردید. مار غالباً بیانگر مرگ و تاریکی است. درگیری مار با موجودی دیگر بیانگر غلبه روشنایی بر تاریکی است. در برخی موارد دیده شد که دو مار سیاه و سفید درگیر می‌شوند که بیانگر درگیری اضداد است. این موضوع در برخی از آثار فرش، نسخه‌ها، پارچه‌ها و ظروف

دوره‌های مختلف اسلامی نیز قابل مشاهده بود که نمونه‌هایی از آن‌ها معرفی گردید. از دیگرعناصر مرتبط با درخت می‌توان به پرنده اشاره کرد. پرنده معمولاً بر شاخسار درخت می‌نشیند و به‌عنوان روح سخنگوی درخت، پیام‌آور خدایان است و واسطی میان آسمان و زمین محسوب می‌گردد. نماینده‌ای برای شفای ایزدی، رحمت و درمان‌گری است.

همچنین ارتباط چهارپایانی مانند اسب و شتر که معمولاً در دوسوی نقش گیاهی همراه با سوار یا بدون آن قرار دارد، شناسایی گردید. در اسطوره‌های کهن شاهد رابطه‌ی شتر و درخت نیستیم ولی وجود حیوانات دیگری نظیر گاو، گوزن، شیر به طور مکرر دیده می‌شود. بر اساس محورهای جانشینی، می‌توان شتر را با توجه به منطقه جغرافیایی عربستانجایگزین دیگر حیوانات قرار داد. بازتاب اینگونه توصیفات در آثار هنری ایران دوره اسلامی نیز قابل رویت است و می‌توان نمونه‌هایی از این‌گونه ارتباط را در پارچه‌ها، فرش‌ها و نسخه‌ها مشاهده کرد. همچنان‌که در این طبقه بندی دیده شد، درخت در مفهوم گسترده خود یک کهن‌الگوی جهانی است که تصویری است و هنوز فرهنگی نشده است. بنابراین کهن‌الگوی درخت هم در روایت‌های نمادین کهن و هم در روایت‌های نمادین متون اسلامی قابل شناسایی‌ بودند. بررسی نمادها و اسطوره‌ها بر اساس نظریه‌ی ژیلبردوران، امکانِ رسیدن به کهن‌الگوی جهانی درخت را برای ما فراهم نمود.

**پی نوشت:**

[1]- کهن‌الگوها تصاویری ذهنی تلقی می‌شوند که صوری جاودان و پایدار در ذهن انسان‌ها هستند. کهن‌الگوها گستره انسانی و جهانی دارند و با شرایط فرهنگی تغییر نمی‌کنند (نامورمطلق،1392: 28).

[2]- نماد کهن‌الگوی فرهنگی شده است. نمادها گستره‌شان به یک فرهنگ خاص و در برخی موارد یک قوم یا زمان خاص محدود می‌شود و دارای معنای دو یا چندگانه و معمولاً با یک فرهنگ مشخص است (عباسی،1390: 70).

[3]- اسطوره دارای معانی گوناگون است. این امر موجب دشواری در تعریف و تحقیق در این حوزه شده است. از طرفی این مشکل در حوزه مطالعاتی ایرانی- اسلامی بیشتر می‌شود به جهت اینکه این واژه در قرآن کریم نیز آمده است و بر چندمعنایی آن افزوده است. در قرآن واژه اسطوره به شکل جمع آن یعنی «اساطیر» در سوره انعام آیه 25، به کار گرفته‌شده و آن هنگامی است که کافران به همانندی میان قصص قرآن و داستان‌های افسانه‌ای پرداختند. در این سوره چنین آمده است:«کافران می‌گویند که این‌ها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست». در حقیقت اساطیری بودن قصه‌های قرآن اتهامی بوده که کافران به قرآن و قصه‌های آن می‌زدند.

مسئله‌ای که در اینجا مدنظر است آن است که اسطوره واژه‌ای است که معادل میت(mythe) لاتین استفاده می‌شود. میت خود از واژه‌ی کهن یونانی میتوس(mythus) به معنای روایت، گاهی نیز افسانه، به کار برده شده است. در تعریفی علمی، اسطوره یک نوع نگاه نمادین، فرازبانی و دارای حوزه‌ی گسترده‌ای است که به تفکر ارتباط دارد؛ بنابراین باید واژه اسطوره نزد اسطوره‌شناسان را از واژه اساطیر نزد علما متمایز کرد.

در این پژوهش به تعریف اسطوره از دیدگاه ژیلبر دوران می‌پردازیم:

دوران نظامی پویا که شامل: بازتاب‌، قوه‌، کهن‌الگو، نماد و اسطوره است را معرفی می‌کند. نظام پویایی که با فشار یک قوه می‎‌کوشد تا خود را در روایت طرح کند. هنگامی که نماد دارای روایت شد به اسطوره تبدیل می‌شود. درواقع اسطوره الگوهای تکرارشونده روایت‌دار در یک فرهنگ یا به‌عبارتی‌دیگر روایت نمادین است (نامور مطلق،1392: 31 تا 33).

[4]- متن یک واحد کم‌وبیش مستقل محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از نشانه‌های معنادار را در بر می‌گیرد و بیش از هر چیز خود را از متن‌های دیگر متمایز می‌کند(نامور مطلق،1392: 510 و511). متن به کلیه آثاری اطلاق می‌شود که می‌توان به عنوان میراث تمدن و فرهنگی از آن‌ها یاد کرد. بنابراین متن کلیه آثار نوشتاری، تجسمی، نمایشی، موسیقایی، سینمایی، معماری و شهرسازی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، هر آن چیزی که با آن فرهنگ و تمدن یک جامعه شناخته می‌شود، عنصری از جهان متنی یا جهان نشانه‌ای تلقی می‌گردد (همان:520). متن‌ها می‌توانند عناصر خود را به یکدیگر قرض بدهند. به بیان دقیق‌تر، یک متن تازه گاهی با وام‌گیری از عنصر یا عناصر متن‌های دیگر شکل می‌گیرد، یک متن به شکل‌های گوناگون با متن‌های دیگر مرتبط می‌شود و عناصری را از آن‌ها اقتباس می‌کند (نامور مطلق،1392: 525).

[5]- عبارت است از مطالعاتی که می‌تواند شامل مباحثی همچون قرآن، حدیث، اجماع راویان مکتب امامی و فروعات همچون تاریخ تفسیر و منابع دست ‌اول اسلامی باشد.

[6]- hulup

**منابع و مآخذ**

- قرآن مجید.

- آقا جمال خوانسارى، محمد.(1366). شرح آقا جمال خوانسارى بر غرر الحكم و درر الكلم. تهران: دانشگاه‌تهران.

- ابن بابويه، محمد بن على. (1381). پاداش نيكيها و كيفر گناهان. مترجم: محمد على مجاهدى‏. قم: سرور. - ابن بابويه، محمد بن على.(1380). كمال الدين. ترجمه منصور پهلوان. قم: دارالحدیث. - ابن بابويه، محمد بن على.(1380). علل الشرائع. ترجمه محمد جواد ذهنى تهرانى. قم: مؤمنين‏. - ابن بابويه، محمد بن على.(بی‌تا). عيون أخبار الرضا عليه السلام. ترجمه محمد تقی آقا نجفى اصفهانی. تهران: علمیه‌اسلامی. - ابن طاووس، على بن موسى. ( 1348). آهى سوزان بر مزار شهيدان. ترجمه احمد فهرى زنجانى. تهران: جهان. - ابن طاووس، على بن موسى. (1374). الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف‏. ترجمه داود إلهامى. قم: نوید اسلام.

- الياده، مير چا.(1385). رساله در تاريخ اديان. ترجمه جلال ستاري. تهران : سروش ( انتشارات صدا و سيما ). - الياده، ميرچا.(1387). شمنيسم : فنون كهن خلسه. مترجم محمد كاظم مهاجري. قم: اديان.

- بحرانی، سید هاشم.(1391). ترجمه و تفسیر شریف البرهان فی تفسیر القرآن. ترجمه حجه الاسلام حاج شیخ عبدالله صالحی نجف آبادی قم: ذوی القربی. - بیرلين، ج، ف. (1386). اسطوره هاي موازي. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مركز. - پوپ، آرتور ابهام وآکرمن، فیلیپس.( 1387). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. سیروس پرهام و گروه مترجمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

- پوپ،آرتور ابهام و آکرمن، فیلیپس. (1387). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز نانل خانلری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- جزائرى، نعمت الله بن عبد الله.(1380). داستان پيامبران يا قصه‏هاي قرآن از آدم تا خاتم. ترجمه یوسف عزیزی. تهران: هاد. - جزائرى، نعمت الله بن عبد الله.(1381). قصص الأنبياء ( قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائرى). ترجمه فاطمه مشایخ. تهران: فرحان‏.

- حسكاني، عبيد الله بن عبد الله. (1380). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل. ترجمه احمد روحانى. قم: دارالهدی. - حسكاني، عبيدالله‌بن‌عبد‌الله. (1381). سيماى امام على عليه السلام در قرآن. ترجمه یعقوب جعفری. قم: اسوه. - دادگر، لیلا.(1380). فرش‌های درختی: موزه فرش ایران. ترجمه زهرا راحت. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. - دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام.(1385). در آمدی بر اسطوره‌ها و نمادها در ایران. تهران: نشرکلهر و دانشگاه الزهرا.

- دوبوكور، مونيك.(1387). رمزهاي زنده جان. ترجمه جلال ستاري. تهران: نشر مركز.

- ديلمى، حسن بن محمد.(1377). إرشاد القلوب. ترجمه سيد عبد الحسين‏ رضايى‏. تهران‏: اسلاميه‏.

- رابی، جولیان.(1386).کارهای لاکی، مجموعه هنر اسلامی.ج 8 از مجموعه 12 جلدی، گردآورنده ناصرخلیلی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی. تهران: نشر کارنگ.

- رزسگای، ماری.(1385). معراج‌نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مطالعات هنر اسلامی.

- رستمی، علیرضا.(1389). خاستگاه نماد نقاشی گل و مرغ در نقاشی‌های دوران صفوی و قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها دانشگاه هنر اصفهان.

- شايگان، داريوش.(1386). اديان و مكتب های فلسفي هند . تهران : انتشارات اميركبير.

- شپرد، راونا.(1393).1000 نماد در هنر و اسطوره شکل به چه معناست؟.ترجمه بیداربخت،آزاده و لواسانی، نسترن. تهران،:نشرنی.

- شريف الرضي، محمد بن حسين.(1379). ترجمه و شرح نهج البلاغه. ترجمه علی نقی فيض الإسلام اصفهانی. تهران: تألیفات فیض‌الاسلام.

- شريف الرضي، محمد بن حسين.(1388). نهج البلاغة. ترجمه حسین انصاريان. قم: دارالعرفان. - شهيد ثانى، زين الدين بن على.(1380). آرام بخش دل داغديدگان. ترجمه حسین جناتی. قم: روح.

- شيخ حر عاملى، محمد بن حسن.(1380). الجواهر السنية في الأحاديث القدسيه. ترجمه زين العابدين‏كاظمى خلخالى. تهران: دهقان.

- طبرسى، احمد بن على.(1371). الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) / ترجمه و شرح احمد غفارى مازندرانى. تهران: مرتضوی. - طبرسى، حسن بن فضل.(1365). مكارم الأخلاق. ترجمه ابراهیم ميرباقرى. تهران: فراهانی. - طبرسى، فضل بن حسن.(1390). زندگانى چهارده معصوم عليهم السلام. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: اسلامیه.

- عباسی، علی.(1390). ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران(کارکرد و روش شناسی تخیل).تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر.(1379). نهج الحقّ و كشف الصدق. ترجمه علی‌رضاكهنسال. تهران: تاسوعا. - عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد.(1386). تمهیدات. تصحیح عفیف عسیران. تهران: منوچهری. - فتال نيشابورى، محمد بن احمد.(1366). روضة الواعظين. ترجمه محمود مهدوى دامغانى. تهران: نی.

- فرنو، بهروز(1384). منشأ فرهنگ، تمدن و هنر در بين النهرين كهن. تهران : سوره مهر(وابسته به حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي).

- قضاعي، محمد بن سلامة.(1361). شرح فارسى شهاب الأخبار(كلمات قصار پيامبر خاتم ص). محقق و مصحح: جلال‏الدين‏ حسينى أرموى. تهران: علمی‌و‌فرهنگی. - قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله.(1378). جلوه‏هاى اعجاز معصومين عليهم السلام. ترجمه غلام حسن محرمى، ‏قم: اسلامی.

- كلينى، محمد بن يعقوب. (1369). أصول الكافي. ترجمه سید جواد مصطفوى. تهران: علميه اسلاميه.‏ - كلينى، محمد بن يعقوب.(1341). الروضة من الكافي يا گلستان آل محمّد. ترجمه محمد باقركمره‏اى. تهران: اسلامیه. - كلينى، محمد بن يعقوب.(1364). الروضة من الكافي. ترجمه سید هاشم رسولى محلاتى. تهران: علميه اسلاميه‏. - كلينى، محمد بن يعقوب.(1375). أصول الكافي. ترجمه محمد باقركمره‏اى. قم: اسوه.

- گری، جان.(1378). اساطیر خاور نزدیک( بین النهرین). ترجمه باجلان فرخی. تهران: نشر.

- گريمال، پير.(1381). اسطوره هاي بابل و ايران باستان. ترجمه ايرج علي آبادي. تهران: انتشارات علمي و فرهنگي.

- گلستانه، سيد علاء الدين محمد.(1387). منهج اليقين (شرح نامه امام صادق عليه السلام به شيعيان). محقق ومصحح مجتبى صحفى، و على‏ صدرايى خويى. قم: دارالحدیث.

- لوسيا برن، جين ف. گاردنر، ر. ي. پيچ، جرج هارت، ميراندا جين گرين. (با مقدمه مارينا وارنر). (1383). جهان اسطوره ها. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مركز. - ليك، گوندولين. فرهنگ اساطير شرق باستان.ترجمه قيه بهزادي. تهران : طهوري.

- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (1355). زندگانى حضرت امام موسى كاظم عليه السلام ( ترجمه جلد 48 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروى. تهران: اسلامیه.

- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (1362). زندگانى حضرت امام حسن مجتبى عليه السلام ( ترجمه جلد 44 بحار الأنوار).ترجمه محمد جواد نجفى. تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (1364). زندگانى حضرت جواد و عسكريين عليهم السلام (ترجمه جلد 50 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروى. تهران: اسلامیه.

- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى. (1364). زندگانى حضرت امام حسين عليه السلام ( ترجمه جلد 45 بحار الأنوار). ترجمه محمد جواد نجفى. تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1351). آسمان و جهان (ترجمه كتاب السماء و العالم بحار الأنوارجلد 54). ترجمه محمد باقر كمره اى. تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1355). شيعه در پيشگاه قرآن و اهل بيت عليهم السلام ( ترجمه جلد 65 بحار الأنوار). ترجمه علی تهرانی. تهران: كتابخانه مسجد حضرت ولى عصر. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1363). بخش امامت ( ترجمه جلد 23 تا 27بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروى. تهران:اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1364). بحار الأنوار(ترجمه جلد 67 و 68 ). ترجمه ابوالحسن موسوى همدانى. تهران: كتابخانه مسجد ولى عصر. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1379). حتجاجات ( ترجمه جلد 9 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروى. تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1379). زندگانى حضرت زهرا عليها السلام ( ترجمه جلد 43 بحار الأنوار). ترجمه محمد روحانى. تهران: مهام. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى.(1380). زندگانى حضرت على بن موسى الرضا عليه السلام ( ترجمه جلد 49 بحار الأنوار). ترجمه موسی خسروى .تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى‏.(بی‌تا). مواعظ امامان عليهم السلام( ترجمه جلد 75 بحار الأنوار). ترجمه موسى خسروی.تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمدباقر بن محمدتقی.(1355). زندگانى حضرت امام موسى كاظم عليه السلام ( ترجمه جلد 48 بحار الأنوار).

ترجمه موسى خسروی ‏. تهران: اسلامیه. - مجلسى، محمدتقى بن مقصودعلى.(1372). لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقيه. قم: مؤسسه اسماعيليان‏. - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی(1389). مهدی موعود(ترجمه جلد 13 بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی،تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مستغفرى، جعفر بن محمد.(1381). روش تندرستى در اسلام.ترجمه يعقوب مراغى و محمد خليلى. قم: مؤمنین. - مسعودى، على بن حسين.(1362). ترجمه إثبات الوصيه. ترجمه محمد جواد نجفى. تهران: اسلامیه. - نامور مطلق ، بهمن.(1390). در آمدي بر بيتا متنیت(نظريه هاد كاربردها ). تهران : سخن. - نامور مطلق، بهمن. (1388). از تحليل بنيامتني تا تحليل بنيا گفتماني. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره 12. - نامور مطلق، بهمن.(1392). در آمدی بر اسطوره شناسی(نظریه ها و کاربردها). تهران: سخن. - نامورمطلق، بهمن. (1386). ترامتيت مطالعه ي روابط يك متن با ديگر متن ها. پژوهشنامه علوم انساني، شماره 56.

- وارنر، ركس. (1387). دانشنامه اساطير جهان. ترجمه ابوالقاسم اسماعيلي پور. تهران : اسطوره.

- يا حقي، محمد جعفر. (1388). فرهنگ اساطير و داستان واره ها در ادبيات فارسي. تهران: سروش.

-Opie, James, (1998), trible rugs acomplete gide to nomadic and village carpets Bulfincher.

-D’ Alviella, count Eugene Golbet, (1894), Senator and member of the Royak Academy of Belgium, published by A.constable and cofe. Westmindter, landon.

- Febervari, Geza, (2000), ceramics of the Islsmic world, I.B Tauris, London. - James, E,O, (1966), Tree of life, studies in the history of religions, E.j.Brill. Leiden.

- Parpola, Simo (1993), The Assyrian Tree of Life, The University of Chicago Press.

**SYMBOLIZATION OF THE TREE OF LIFE IN ISLAMIC CONTEXTS FROM AN INTERTEXUAL APPROACH**

**Abstract**

The Tree of Life in Islamic contexts is dealt with in this article, with regards to Gérard Genette intertextual approach. We intend in this research to analyze and classify relations, osculation and applications of life tree in ancient mythical resources and Islamic contexts. Furthermore, relations of the osculation and common characteristics with Iranian art works with the inter-symbolic approach is the other aim of this study.

In this regard, and according to the definitions of archetype, symbol and myth by Gilbert Durand, it is tried to introduce the repetition of the archetype of the tree in the global culture. Identifying this archetype is possible via symbols and symbolic narratives (myths). The archetype of the tree is symbolized in connection with different cultures, including the Islamic culture that could be identified in the form of symbolic narratives in Islamic texts. These narrative symbols in Islamic texts are also similar with mythical resources in other cultures. Our aim is to discover the similarities in order to obtain the restoration of this archetype in the world. Thus, it is attempted to respond to the questions regarding what the symbolic narratives of the tree of life are in the mythical resources, whether the symbolic narratives of the life tree in different cultures are in conformity with symbolic narratives in Islamic resources. The other question is how the symbolization of written texts could be compared with the inter-symbolic approach in Iranian artwork.

This study tries to show that the obtained data from the indicated matters in symbolic narratives related to the tree of life in Islamic resources and mythical resources of ancient cultures have inter-religious similarities, which could be understood by the concept of archetype. In such a domain, the application of Gérard Genette and Gilbert Durand’s approach in expressing and explaining the concept of the tree archetype is concluded, by which the interpretation of vocal and visual symbolization can be made possible.

Key words: Archetype, Tree of life, Context, Intertextual Approach

**Symbolism of The Tree of Life in Islamic texts: an**

**Intertextual Approach[[11]](#footnote-11)**

### By:

Elham Rohani Isfahani[[12]](#footnote-12)

Dr. Bahar Mokhtarian[[13]](#footnote-13)

Address: No18, Mehregan Alley, East Hasht Behesht St, Bozorgmehr Ave, Isfahan.

Tell: +983132678133

+989130967571

1. برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر بهار مختاریان [↑](#footnote-ref-1)
2. کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اصفهان. Elham.rohani69@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)
3. آیه 35 [↑](#footnote-ref-3)
4. آیه 36 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره انسان، آيه 21. [↑](#footnote-ref-5)
6. «و آن چشمه، چشمه زندگانى است و كسانى كه در آن چشمه، غسل مى‏كنند». [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره زمر آیه 10 [↑](#footnote-ref-7)
8. برای مثال درخت زندگی در آشور توسط شاه و در یونان توسط ایزد کاشته می‌شود. [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره ابراهیم آیه 24 [↑](#footnote-ref-9)
10. Goblet D Alviella [↑](#footnote-ref-10)
11. From the master's thesis under the guidance of the Dr Bahar Mokhtarian. [↑](#footnote-ref-11)
12. Master of Islamic Art from Isfahan Art university.Elham.rohani69@yahoo.com  [↑](#footnote-ref-12)
13. Science Committee of Isfahan Art university.Bmoktarian@yahoo.com [↑](#footnote-ref-13)